

## برای هفتاد و یکمین سالگرد روز نکبت

### متن سخنرانی پراکسیس برای تجمعی در برلین

۷۱ سال پس از نکبت شکل‌گیری دولت اسرائیل، چنان که از کارزارهای انتخاباتی و آرای مردم در انتخابات اخیر در اسرائیل پیداست، ادامه سیاست اشغال و پاک‌سازی قومیتی و خشونت علیه فلسطینیان از حمایتی بسیار گسترده نزد «مردم اسرائیل» برخوردار است. در سطح بین‌المللی حمایت از اشغال‌گری اسرائیل عریانی کم‌نظیری به خود گرفته است. در نقض معاهدات بین‌المللی گذشته و به اصطلاح فرآیند صلح، دولت ایالات متحد اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت که با پیروی برخی دولت‌ها از آن همراه بود؛ اقدامی به شدت تهاجمی که به طور تلویحی راه‌حل دو دولت، که خود هموارکننده‌ی ادامه‌ی اشغال‌گری بود، را مردود کرده و تعارفات را در حمایت از یک دولت اشغال‌گر اسرائیل کنار می‌گذارد. اینک می‌بینیم که امپریالیسم ایالات متحد الحاق بلندی‌های اشغال‌شده‌ی جولان را به خاک اسرائیل در سطح بین‌المللی رسمیت می‌بخشد و در عین حال بسیاری از کشورهای عربی در منطقه هم‌پیمان با آن و اسرائیل هستند. احتمالاً کمتر زمانی در ۷۱ سال گذشته نکبت اشغال سرزمین فلسطین اینچنین در سطحی جهانی عادی‌سازی شده بود.

درست در همین دوره، از برخی کسانی که خود را سوسیالیست و کمونیست می‌نامند، می‌شنویم که توجه چپ‌ها به فلسطین ناشی از یک وسواس غیرسیاسی بوده و صرفاً یک هویت‌یابی شعاری‌ست. می‌گویند در تمامی کشورهای منطقه اشغال وجود دارد، همه دولت-ملت‌ها سرکوبگر و غیرمشروع‌اند، همه حکومت‌ها امپریالیست‌اند و همه مداخلات خارجی در منطقه مداخلات امپریالیستی‌اند و امثالهم. آن‌ها با عام‌سازی مفاهیم اشغال، استعمار و امپریالیسم، نه تنها از مسأله‌ی فلسطین اهمیت‌زدایی می‌کنند، بلکه جنایات دولت نژادپرست اسرائیل را عادی‌سازی کرده و نقش بی‌همتای امپریالیسم ایالات متحد و هم‌پیمانانش در ویران‌سازی کشورهای منطقه و برقراری دولت‌های سرکوبگر و مرتجع را پنهان‌سازی می‌کنند.

می‌گویند به فاجعه در سوریه بنگرید تا دریابید امروز نه فلسطین بلکه سوریه جایی‌ست که تعیین‌کننده‌ی جهت سیاست سوسیالیستی در منطقه است. ما می‌گوییم با نگاه به وضعیت بغرنج در سوریه و جنگ ویرانگر در این کشور بیش از پیش به نقش مبارزه فلسطین به‌عنوان قطب‌نمایی پی می‌بریم که می‌تواند به ما در پرهیز از همراهی با مداخلات امپریالیستی تاریخی در کشورهای منطقه یاری برساند.

می‌گویند سیاست رهایی‌بخش یعنی مخالفت هم‌زمان علیه اسرائیل و حماس. آن‌ها کسانی که حماس را به عنوان مقاومت در برابر اسرائیل می‌شناسند به همراهی با ارتجاع متهم می‌کنند. از نظر ما، مفهوم ارتجاع در فلسطین در نسبت با مقاومت علیه اشغال معنا دارد. اگر با چنین دیدی به نیروهای سازمان‌یافته فلسطینی بنگریم، باید گفت ارتجاع دولت خودگردان فلسطین است که حتی به همکاریهای امنیتی و پلیسی با دولت نژادپرست اسرائیل تن داده است. ما به مثابه‌ی یک جمع کمونیستی اختلافات بنیادینی با ایدئولوژی و سیاست‌ورزی سازمان حماس داریم، و به شکل‌گیری سازمان‌های رهایی‌بخش مقاومت در غزه و سایر نقاط در سرزمین‌های اشغالی امید می‌بندیم. اما با نگاه به تاریخ فاجعه‌بار غزه‌ی در محاصره و تحت حملات نظامی اسرائیل، نقش حماس به عنوان یک سازمان سیاسی-نظامی در مقاومت علیه اسرائیل را امری بدیهی می‌دانیم. و مخالفت هم‌زمان و هم‌ارز علیه اسرائیل و حماس را موضعی ارتجاعی علیه مقاومت و در راستای عادی‌سازی دولت اشغال‌گر می‌دانیم.

ما به‌عنوان یک جمع کمونیستی ایرانی در تبعید، پیش‌روی و پیروزی مبارزات علیه سرکوب و ارتجاع، علیه مناسبات سرمایه‌داری و استثمار طبقاتی، و نیز علیه امپریالیسم و تحریم و جنگ در کشورهای مختلف منطقه را درهم‌تنیده می‌بینیم و همبستگی سیاسی و عملی با مقاومت فلسطین علیه اشغال استعماری را بخشی حیاتی از هرگونه سیاست رهایی‌بخش در منطقه می‌دانیم. ما به امید روزی که به مناسبت پایان اشغال در فلسطین پایکوبی کنیم، با تمامی نیروهایی که به طور حقیقی علیه اسرائیل مقاومت می‌کنند اعلام همبستگی کرده و از تمامی اشکال مقاومت فلسطینیان دفاع می‌کنیم.

امروز، در حالی که شاهد اقدامات مختلف برای کودتای امپریالیستی در ونزوئلا هستیم، سخنان چاوز در حمایت از فلسطین را به یاد می‌آوریم: ”من از این تریبون استفاده می‌کنم تا یک بار دیگر از صمیم قلب اعلام کنم لعنت بر تو دولت اسرائیل، لعنت بر تو تروریست و قاتل؛ که نمی‌گذاری فلسطین آزاد زندگی کند، که نمی‌گذاری فلسطینیان زندگی کنند.“

پراکسیس

مه ۲۰۱۹

اردیبهشت ۱۳۹۸